

مقاله اصلی

مدل یابی علی رابطه سبکهای دلبستگی و ابعاد تنظیم هیجان با دلزدگی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی سبکهای صمیمیت در زوجین متقاضی طلاق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

خلاصه

مقدمه

طلاق یکی از آسیب‌های جدی است که افراد و خانواده‌ها را در برهه زمانی کنونی تهدید می‌کند. طی دوران طلاق، انواع رویدادها و پرتنش‌های زندگی به طور معمول رخ می‌دهد که منجر به مشکلات عدیده‌ای برای زوجین، فرزندان آنها و حتی جامعه می‌شود و می‌تواند تبعات روانشناختی بی‌شماری را در سطح افراد و روابط اجتماعی به بار آورد. بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی مدل یابی علی رابطه سبکهای دلبستگی و ابعاد تنظیم هیجان با دلزدگی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی سبکهای صمیمیت در زوجین متقاضی طلاق می‌باشد.

روش کار

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به یکی از شوراهای حل اختلاف استان تهران می‌باشد. نمونه‌گیری پژوهش حاضر به شیوه در دسترس انجام شده است. ابزار سنجش در این پژوهش شامل: پرسشنامه دشواری تنظیم هیجان، مقیاس صمیمیت زناشویی، پرسشنامه دلزدگی زناشویی، مقیاس تعارض زناشویی کانزاس، مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و به کمک نرم افزارهای آماری AMOS 24 و SPSS 24 محاسبه شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

نتایج

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میان سبکهای دلبستگی و ابعاد تنظیم هیجان با دلزدگی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی سبکهای صمیمیت در زوجین متقاضی طلاق رابطه علی وجود دارد. نتیجه‌گیری: برآیند پژوهش نشان داده است که مدل ساختاری رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد تنظیم هیجان با دلزدگی و تعارضات زناشویی با نقش میانجی سبک‌های صمیمیت در زوجین متقاضی طلاق با مدل نظری مطابقت داشته و از برازش مطلوبی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

بنابراین برای پیشگیری از طلاق و ایجاد رابطه زناشویی بهتر، می‌توان با شناخت سبک‌های دلبستگی و صمیمیت، شیوه‌های تنظیم هیجان و حل تعارض، و دلزدگی زوجین، روابط زوجین را بهبود بخشید.

کلمات کلیدی

طلاق، صمیمیت، دلبستگی، تعارض، دلزدگی، تنظیم هیجان
پی‌نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

توکتم طیبی^۱

حمیدرضا وطن‌خواه^{۲*}

هوشنگ جدیدی^۳

^۱گروه روانشناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲دانشیار، گروه روانشناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۳دانشیار، گروه روانشناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، کردستان، ایران.

Email: hamid_vatankha1@yahoo.com

مقدمه

زندگی مسیری است که معمولاً آن را با همراهی فردی دیگر طی می‌کنیم. این مسیر سرشار از ارتباط، ادراک، انتظار و سازگاری است. هر فردی نقش خود را مشخص می‌نماید و مطابق با آن نقش سفر زندگی آغاز می‌شود. ازدواج سنگ بنای زندگی است، جایکه فرد در آن شریک زندگی خود را انتخاب می‌کند و نقش و انتظارات جدیدی را می‌پذیرد. ازدواج به معنای کنار هم قرار گرفتن دو فرد کاملاً متفاوت به عنوان همسر می‌باشد که برای ایجاد و برنامه ریزی خانواده جدید با هم توافق نموده‌اند (تاسو و گناهون^۱، ۲۰۲۱، ص ۲). در این میان خانواده نیز نهادی است که به اعضای خود احساس آرامش و امنیت می‌دهد و طی قرن‌ها به عنوان پایدارترین و مؤثرترین وسیله‌ی حفظ ویژگی‌های فرهنگی و عامل انتقال آنها به نسل‌های بعدی بوده است. مهمترین وظیفه‌ی هنجارهای خانواده تنظیم روابط دو جنس مرد و زن بر پایه‌های مناسب است (گرین وود و همکاران^۲، ۲۰۱۹، ص ۳).

از آنجا که مسائل و مشکلات در زندگی، بخشی طبیعی در رابطه زناشویی زوجین است، آنچه اهمیت دارد واکنش زوجین به این مسائل است. به طوری که ثمره استفاده از روش‌های نامناسب حل مشکل باعث آشفته‌تر شدن اوضاع و سست شدن رابطه صمیمانه و به دنبال آن کاهش آشفتگی زناشویی و پریشانی زوجین در ارتباط با هم می‌باشد. این موضوع در مورد زوجین متقاضی طلاق محتمل‌تر است. زیرا داشتن مسائلی که به آشفتگی زناشویی منجر شده است به طور معمول از مشکلات خاصی نشأت گرفته است که نتوانسته‌اند به حل آن بپردازند، و راه حل مناسب و کارآمدی در راستای این مسائل برای ایشان وجود نداشته است (مظاهری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸۶).

ارتباط صمیمانه در زندگی زناشویی دارای ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری است. بعد رفتاری شامل به اشتراک گذاشتن (کلامی و غیر کلامی) ابعاد خصوصی و شخصی با

همسراست و بعد شناختی، بیانگر معیارها، فرض‌ها و خواسته‌های هریک از زوجین در مورد ارتباط صمیمی است و درک شدن و درک کردن را تأمین می‌کند. بعد عاطفی، احساسات مثبتی است که زوجین در حین تعاملاتشان نسبت به خود و همسرشان دارند و منعکس کننده نیاز هریک از زوجین به صمیمت، و ترس و نگرانی از فقدان آن است. افرادی که احساس ایمنی می‌کنند، به همسر خود دل‌بستگی روشن‌تر، منسجم‌تر و پیوسته‌تری داشته و احساس صمیمت بیشتری بر رابطه حاکم است که همین امر باعث کاهش تعارضات زناشویی میان زوجین می‌شود (حسن زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۸۷).

تنظیم هیجان بین فردی نیز در این بین بسیار مهم است. تنظیم هیجان بین فردی شامل تمایل فرد برای به اشتراک گذاشتن حالات هیجانی خود با دیگران به منظور کاهش عاطفه منفی خود یا تلاش برای تغییر عواطف دیگران است. به عبارت دیگر، تنظیم هیجان بین فردی شامل راهبردهای تنظیمی هیجانی می‌شود که مشارکت دیگران را در ایجاد تغییر در روندهای هیجانی فرد می‌طلبد. از این رو محیط و حمایتی که فرد از دیگران دریافت می‌کند نقشی کلیدی در مدیریت هیجان وی دارد و در خلافت اجتماعی مناسب، بسیاری از این هیجانات نمی‌توانند وجود داشته باشند (قبادی کهنمویی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۲۶).

از دیگر عوامل موثر میتوان به سبک‌های دل‌بستگی اشاره نمود. سبک‌های دل‌بستگی زوجین در رشد و حفظ پیوستگی بین فردی نقش مهمی بر عهده دارد و با فرایندهای روانی وابسته به روابط صمیمانه و نیز رفتارهای مشاهده شده در این روابط و برون داد‌های روابط صمیمانه که هم ذهنی هستند (مانند رضایت) و هم عینی هستند (مانند جدایی)، قابل پیش بینی می‌باشند. از میان سه سبک دل‌بستگی، افراد دارای سبک دل‌بستگی اضطرابی - دو سوگرا به دلیل احساس اضطراب و طرد شدگی که دارند، و همچنین به دلیل چسبندگی شدید و خطر دائمی از بی‌وفایی همسر، بیش از حد برای همسر خود

² Greenwood, J and et all¹ Tasew, Abelnesh Shemaye. Getahun, Koye Kassa

مزاحمت روانشناختی ایجاد می کنند و با کنترل دائمی او آزادی ها، استقلال، و خود مختاری طرف مقابل را می کنند نتیجه صمیمیت زناشویی دلبستگی کاهش می یابد (شیشه و موتساکا، ۲۰۲۱، ص ۷).

در این میان، تعارضات زناشویی را میتوان به عنوان موقعیتی تعریف کرد که در آن اختلاف نظرات مثبت و منفی بین زوجین وجود دارد. به تعبیر دیگر تعارض زناشویی جزو جدا نشدنی روابط زناشویی است و یکی از معیارهای ارزیابی سلامت روابط زناشویی آن است که زوجین چگونه تعارضاتشان را حل میکنند. بنابراین، سالم یا ناسالم بودن یک رابطه به مقدار تعارض بین افراد وابسته نیست، بلکه به نحوه حل تعارض بستگی دارد (اکبری، کریمیان، امیدی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۸).

یکی از آشفتگی ها و نابهنجاری های روانشناختی که به مرور زمان عشق و علاقه در روابط زوجین را کمرنگ تر و گاهی به طور کامل محو می کند و موجبات مشکلات روانشناختی، ادامه روابط سرد و بی تفاوتی و طلاق رسمی آنها را فراهم میکند، دلزدگی زناشویی است. دلزدگی هنگامی بروز پیدا می کند که زوجین در میابند که با وجود تمام تلاش هایشان، رابطه شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (برزگر کهنمویی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۶۸).

پرداختن به عوامل موثر بر اقدام زوجین به طلاق می تواند زیربنایی برای پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آمار آن در جامعه شود. پژوهش های بسیاری به بررسی علل وقوع طلاق پرداخته اند که نشان می دهند این پدیده متأثر از عوامل گوناگونی همچون عوامل روانشناختی، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی است که بطور کلی به دو دسته عوامل شناختی و اجتماعی تقسیم می شود. آماتو^۲ (۲۰۱۰)، عوامل مختلفی را به عنوان پیش بین طلاق بیان می کند از جمله پیش بینی های اجتماعی طلاق عبارتند از: ازدواج در نوجوانی، فقر، بیکاری، تحصیلات، ازدواج با نژادهای دیگر، ازدواج دوم یا سوم. از

جمله پیش بین های بین بین های بین فردی طلاق عبارتند از: خشونت خانگی، درگیری های مکرر، خیانت، مشکلات رابطه ای، تعهد ضعیف در ازدواج و سطح پایین عشق و اعتماد بین همسران. النجار^۳ (۲۰۱۷) در پژوهش خود ابتدا به خیانت به عنوان عمده ترین دلیل طلاق و سپس به عوامل دیگر همچون: سو استفاده فیزیکی، کلامی یا روحی، مشکلات مالی، روش نامناسب حل تعارض، سوء مصرف دارو یا الکل، تعصب مذهبی، فقدان علاقه، انتظارات غیر واقع بینانه، دروغگویی، روابط قبل از ازدواج، و مشکلات جنسی به عنوان دیگر عوامل اشاره می کند. عواملی که بر کاهش شدت کیفیت رابطه زوجین تاثیر می گذارند می توانند باعث افزایش تنش رابطه زناشویی و فروپاشی ازدواج شوند عبارتند از: ناتوانی در مدیریت صحیح حل تعارضات، سطوح پایین حمایت های مثبت از همسر، صمیمیت در روابط، ویژگی های شخصیتی ناسازگارانه، خشونت و شناخت ناکافی قبل از ازدواج (حبیبی، ۱۳۹۶، ص ۳۰).

پایین بودن میزان تحمل پریشانی، داشتن توان کم در تنظیم هیجان و وجود تعارضات زناشویی، پایین بودن میزان صمیمیت زوجین و وجود دلبستگی ناایمن در یک زوج یا زوجین، همگی باهم منجر به کاهش کیفیت زندگی از یک سو و افزایش طلاق عاطفی و نیز افزایش جدایی از سوی دیگر خواهد شد، از طرف دیگر وجود خلا مطالعاتی در این زمینه، مخصوصا متغیرهای حاضر، سبب شده است که پژوهش حاضر شکل بگیرد؛ هر چند پژوهش های گذشته هر کدام به طور مجزا رابطه میان برخی از متغیرهای حاضر را بررسی نموده اند، اما هیچ یک تمامی این متغیرها را در یک پژوهش واحد، مورد بررسی قرار نداده اند. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا مدل مفروض در تبیین رابطه سبک های دلبستگی، ابعاد تنظیم هیجان، دلزدگی زناشویی با میانجی گری سبک های صمیمیت در

³ El-Najjar, H. A

¹ Schetsche C, Mustaca AE.

² Amato, P. R

تصمیم به طلاق در زوجین متقاضی طلاق دارای برآزش خواهد بود؟

روش کار

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های همبستگی می باشد که در آن از روش آماری مدل یابی معادلات ساختاری یا مدل یابی علی استفاده شده است. روش مدل یابی معادلات ساختاری محصول ترکیب روشهای تحلیل مسیر و تحلیل عاملی تأییدی است. این روش از دو مرحله اساسی تشکیل شده است: اول، در مرحله تحلیل عاملی تأییدی یا الگوی اندازه گیری، روایی سازه ابزارهای اندازه گیری تعیین میشود و سپس در مرحله مدل معادله ساختاری، روابط علی موجود میان متغیرهای نهفته، مورد بررسی قرار میگیرد.

تعداد افراد شرکت کننده در این پژوهش شامل ۲۵۰ زوج متقاضی طلاق بود که به یکی از شوراهای حل اختلاف استان تهران مراجعه نموده بودند. در این پژوهش به دلیل اینکه تحلیل عاملی براساس همبستگی های بین متغیرهای اندازه گیری شده میباشد، ماتریس همبستگی را که حاوی ضرایب همبستگی درونی متغیرها است، باید محاسبه نمود. تشکیل یک ماتریس همبستگی و محاسبه ی تمام ماده ها با یکدیگر نقطه ی آغاز تحلیل عوامل اکتشافی است (حجتی، ۱۳۹۶).

ماتریس همبستگی مجموعه ای از ضرایب همبستگی بین تعدادی از متغیرهاست که در آن همه متغیرها به صورت سطر و ستون نوشته میشوند. به منظور ارزشیابی ماتریس همبستگی از KMO و بارلت استفاده میشود. شاخص KMO ماتریس داده ها برای تحلیل عاملی مناسب است یا نه؟ (از دو شاخص شاخصی از نمونه گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می کند و از این طریق مشخص میکند (آیا واریانس متغیرهای پژوهش، تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل های پنهانی و اساسی است یا خیر (بشلیده، ۱۳۹۶). اگر مقدار شاخص نزدیک به یک باشد، داده های موردنظر (اندازه نمونه) برای تحلیل عاملی مناسب هستند. شاخص دیگری

که همبستگی بین عامل ها را بررسی میکند، آزمون کرویت بارلت است که این آزمون تأیید میکند، متغیرها با یکدیگر ارتباطی ندارند که این امر از طریق معنی داری آزمون K² دست می آید. اگر سطح معنی داری در آزمون بارلت کمتر از ۰/۵ باشد ماتریس همبستگی واحد نخواهد بود و فرض آماری رد خواهد شد، که این امر نشان میدهد بین متغیرها رابطه وجود دارد.

ملاک های ورود به پژوهش شامل: سکونت زوجین شرکت کننده در پژوهش در شهرستان رباط کریم یا شهر جدید پرند، سپری شدن حداقل شش ماه از آغاز زندگی مشترک زوجین شرکت کننده در پژوهش، رضایت آگاهانه برای مشارکت و بیرون رفتن از پژوهش و حداقل تحصیلات زوجین شرکت کننده در پژوهش، تحصیلات ابتدایی بوده است.

به منظور رعایت اصول اخلاقی، فرم موافقت برای همکاری در پژوهش توسط مراجعان تکمیل شد و پژوهشگر به مراجعان این اطمینان را داد که کلیه مطالب ارائه شده در جلسات آموزشی و نتایج پرستامه ها محرمانه خواهند بود. برای احترام به حقوق شرکت کنندگان همه پرسشنامه های تحقیق بدون نام بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش عبارت بود از:

مقیاس صمیمیت زناشویی تامپسون و والکر (MIS)،

مقیاس صمیمیت زناشویی والکر و تامپسون (MIS) برای اندازه گیری صمیمیت در روابط زناشویی در سال ۱۹۸۳ ساخته شد. این مقیاس دارای ۱۷ ماده است و هر ماده در یک طیف ۷ درجه ای از هرگز تا همیشه نمره گذاری می شود. کسب نمره بالا در این مقیاس نشان دهنده داشتن صمیمیت زناشویی بیشتر است (رجبی و همکاران، ۱۳۹۰). در زمینه روایی و پایایی این مقیاس پژوهش هایی انجام شده است والکر و تامسون ۱۹۸۳ پایایی این ابزار را به روش آلفای کربناخ ۰/۹۷ محاسبه نمودند. در پژوهش های داخلی نیز روایی و پایایی این مقیاس مورد بررسی قرار گرفته است نادری و آزادمنش (۱۳۹۱) در مطالعه خود پایایی این مقیاس

را به روش آلفای کرونباخ $0.90/0$ و به روش تنصیف ۸۳ گزارش نموده‌اند. همچنین آنها روایی پرسشنامه را نیز به روش صوری بررسی کردند و اساتید روانشناسی و مشاوره آن را دارای روایی مناسبی دانسته‌اند. برای نمره گذاری این مقیاس در هر عبارت به ترتیب زیر نمره بدهید: هرگز: نمره ۱، بندرت: نمره ۲، گاهی: نمره ۳، اغلب: نمره ۴، اکثراً: نمره ۵، تقریباً همیشه: نمره ۶، همیشه: نمره ۷.

مقیاس دشواری در تنظیم هیجان (DERS) (گرتز و

روئمر، ۲۰۰۴)، مقیاس دشواری در تنظیم هیجان یک ابزار سنجش ۴۱ آیتمی خود گزارش دهی می‌باشد که برای ارزیابی دشواری در تنظیم هیجان از لحاظ بالینی تدوین شده است. آیت‌های این مقیاس بر اساس گفتگو پایه متعدد با همکاران آشنا به متون تنظیم هیجان تدوین و انتخاب شده است. گردز و رامر ۲۰۰۴ مقیاس انتظار تعمیم یافته تنظیم هیجانی منفی (ساتان زارو و میرنز ۱۹۹۰، به نقل از گرتز و روئمر، ۲۰۰۴) به عنوان الگویی در تدوین این مقیاس به کار گرفته شده است. به منظور ارزیابی دشواری در تنظیم هیجانان هنگام تجربه دوران آشفتگی (یعنی هنگامی که راهبردهای تنظیم هیجانی لازم و ضروری می‌باشد)، الزامی به نظر می‌آید. گستره پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت ۱ تا ۵ قرار می‌گیرد یک به معنای تقریباً هرگز (۰ تا ۱۰ درصد)، دو به معنای گاهی اوقات (۱۱ تا ۳۵)، سه به معنای نیمی از مواقع (۳۶ تا ۶۵ درصد)، چهار به معنای اکثر اوقات (۶۶ تا ۹۰ درصد) و ۵ به معنای تقریباً همیشه (۹۱ تا ۱۰۰ درصد) می‌باشد. یک آیت به خاطر همبستگی پایین آن با کل مقیاس و چهار آیت به خاطر بار عاملی پایین یا دوگانه روی دو عامل حذف شدند. به این ترتیب از مجموع ۴۱ آیت ابتدایی مقیاس ۳۶ آیت باقی ماندند. تعدیل عاملی وجود ۶ عامل عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی دشواری در انجام رفتار هدفمند دشواری در کنترل تکانه، فقدان آگاهی هیجانی، دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجان عدم وضوح هیجانی را نشان دادند. نتایج حاکی از این است که این مقیاس از همسانی درونی بالایی ۹۳ درصد برخوردار می‌باشد (گرتز و روئمر، ۲۰۰۴). هر ۶ زیر مقیاس DERS، آلفای کرون باخ بالای ۰/۸۰ دارند.

همچنین DERS دارای همبستگی معناداری با مقیاس NMS و پرسشنامه پذیرش و عمل هایز و همکاران دارد (گرتز و روئمر، ۲۰۰۴). بر اساس داده‌های حاصل از عزیزی میرزایی و شمس میزان آلفای گروه این پرسشنامه $0.92/0$ برآورد می‌شود. نمره گذاری ۱ به معنای تقریباً هرگز صفر تا ۱۰ درصد، ۲ به معنای گاهی اوقات ۱۱ تا ۳۵ درصد، ۳ به معنای نیمی از اوقات ۳۶ تا ۶۵ درصد، ۴ به معنای اکثر اوقات ۶۶ تا ۹۰ درصد، ۵ به معنای تقریباً همیشه ۹۱ تا ۱۰۰ درصد. این مقیاس جنبه‌های مختلف اختلال در تنظیم هیجانی را می‌سنجد سوالات ۷، ۶، ۲، ۱، ۸، ۱۰، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۴ و ۳۴ دارای نمره گذاری معکوس می‌باشند. نمرات بالاتر به معنای دشواری بیشتر در تنظیم هیجانی می‌باشد. مقیاس دارای یک نمره کلی از جمع نمرات کلی سوالات و همچنین ۶ نمره مربوط به زیر مقیاس‌ها می‌باشد.

پرسشنامه دلزدگی زناشویی (CBM) پاینز (۱۹۹۶):

این پرسشنامه توسط پاینز طراحی گردیده است. پرسشنامه مذکور دارای ۲۰ سوال و سه بعد (خستگی جسمی، از پا افتادن عاطفی و از پا افتادن روانی) می‌باشد. مقیاس دلزدگی زناشویی یک ابزار خود سنجی است که برای اندازه‌گیری درجه دلزدگی زناشویی در بین زوج‌ها طراحی گردیده است. این مقیاس از یک ابزار خودسنجی دیگری که برای اندازه‌گیری دلزدگی بکار می‌رود اقتباس شده است. این مقیاس توسط پاینز (۱۹۹۶) ابداع گردید (پاینز و نانز، ۲۰۰۳؛ لائس و لائس، ۲۰۰۱).

این پرسشنامه ۲۱ ماده دارد که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثلاً احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می‌باشد تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت مورد نظر (پاینز، ۱۹۹۶).

ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس دلدزدگی زناشویی نشان داد که آن دارای یک همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی به وسیله همبستگی های منفی با ویژگی های ارتباطی مثبت به تایید رسیده است مانند: نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خود شکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آنها. نسخه های ترجمه شده CBM به طور موفقیت آمیزی در مطالعات بین فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و اسرائیل استفاده شده است (پانیز و نانز، ۲۰۰۳، لائس و لائس، ۲۰۰۱).

مقیاس تعارض زناشویی کانزاس (KMCS):

مقیاس تعارض زناشویی کانزاس (KMCS) توسط کنث اگمان، ماکسلو اسچام (۱۹۸۵) ساخته شده است که از ۲۷ گویه تشکیل شده است و به منظور سنجش تعارض زناشویی بکار می رود. پدید آمدن اختلاف و تعارض بین زن و شوهر امری غیر طبیعی نیست. به دلیل ماهیت کنش وری همسران در فضای زندگی مشترک، گاه پیش می آید که اختلاف دیدگاه بین زوجین روی دهد و یا اینکه نیازهای آن ها برآورده نشود. نتیجه چنین تعاملات منفی، ناخشنودی، ناامیدی و احساس خشم همسران نسبت به یکدیگر گزارش شده است (امراهی و همکاران، ۱۳۹۲). نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۴ نقطه ای می باشد که برای گزینه های «هرگز»، «به ندرت»، «برخی اوقات» و «تقریباً همیشه» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳ و ۴ در نظر گرفته می شود. مقیاس تعارض زناشویی کانزاس (KMCS) در پژوهش اصلی از همسانی درونی عالی با آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۵ برای مردان در کلیه ی مراحل و آلفای ۰/۸۸ تا ۰/۹۵ برای زنان برخوردار می باشد. ثبات مقیاس نیز با همبستگی های بازآزمایی با طول مدت ۶ ماه

برای سه مرحله بسیار خوب است که دامنه ای از ۰/۶۴ تا ۰/۹۶ به دست آمده است. مقیاس ها از روایی گروه های شناخته شده خوبی برای همسران برخوردار بوده و می تواند به شکل معنادار بین ازدواج های برآشفته و غیر برآشفته برحسب رضایت زناشویی تمایز قائل شود. این همبستگی ها برای شوهران نیز مثبت بوده است اما همواره معنادار نبوده است. مقیاس های KMCS همچنین از همبستگی با تعدادی از مقیاس های دیگر برخوردار می باشند که نشان از روایی سازه ی عالی آن ها دارد.

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال کولینز و رید

(RAAS): این مقیاس شامل خود ارزیابی از مهارتهای ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره های دلبستگی نزدیک است. و مشتمل بر ۱۸ ماده می باشد که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای (از نوع لیکرت) که از ، به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد: (۱)، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد: (۵) تشکیل می گردد ، سنجیده می شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است مشخص می شود. ۳ زیر مقیاس عبارتند از:

وابستگی (D): میزانی را که آزمودنی ها به دیگران اعتماد می کنند و به آنها متکی می شوند. به این صورت که آیا در مواقع لزوم قابل دسترسی اند، اندازه گیری می کند. **نزدیک بودن (C):** میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه گیری می کند. **اضطراب (A):** ترس از داشتن رابطه را می سنجد. (مالینکرودت ۵ و. همکاران، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰)

کولینز و رید (۱۹۹۰، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) بر پایه توصیف هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده اند. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف

سوالات و فرضیات پژوهش از تحلیل مسیر با رویکرد کوواریانس محور استفاده شده است.

یافته های پژوهش

توصیف متغیرها از آن جهت دارای اهمیت است که نتایج آزمون فرضیه های پژوهش براساس داده ها و شاخص های این متغیرها استخراج می گردد. داده های تحقیق دارای مقیاس فاصله ای هستند. برای توصیف متغیرهای پژوهش از شاخص های مرکزی و پراکندگی استفاده می شود که در ادامه به آن ها پرداخته شده است.

های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می دهد (فنی ونولر، ۱۹۹۶) بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن می باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. مدت اجرای پرسشنامه کولینز و رید (RAAS) بر اساس زمینه یابی انجام شده، ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شده است (پاکدامن، ۱۳۸۰).

برای تحلیل داده ها از نرم افزارهای SPSS 24 و AMOS 24 استفاده شده است. جهت بررسی نرمال بودن داده ها از ضریب چولگی^۱ و ضریب کشیدگی^۲ جهت بررسی ارتباط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون، و جهت بررسی

جدول ۱- شاخص های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	گویه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سبک های دلبستگی	۱۸	۲,۱۰۱	۰,۱۵۰	۱,۸۳	۲,۲۲
تنظیم هیجان	۳۶	۳,۰۰۱	۰,۰۷۰	۲,۸۳	۳,۱۴
دلزدگی زناشویی	۲۱	۳,۹۸۶	۰,۱۶۲	۳,۷۱	۴,۲۴
تعارضات زناشویی	۲۷	۲,۵۸۱	۰,۰۹۶	۲,۴۴	۲,۷۴
سبک های صمیمیت	۱۷	۴,۰۹۹	۰,۲۴۶	۳,۶۵	۴,۳۵

نرمالیتی داده ها

توزیع نرمال بدین معناست که توزیع متغیرها در دو طرف میانگین یکسان باشد به طوری که نمودار توزیع شکل زنگوله ای داشته باشد، اگر توزیع متغیرها نرمال نباشد، توزیع از حالت زنگوله ای خارج خواهد شد و به سمت چپ و یا راست میانگین متمایل می شود، زمانی که توزیع متغیرها نرمال است جهت آزمون فرضیات از آزمون های پارامتریک استفاده می شود و در غیر این صورت آزمونهای ناپارامتریک مورد استفاده قرار می گیرد. جهت بررسی نرمال بودن از ضریب چولگی^۳ و ضریب کشیدگی^۴ استفاده می شود. قدر

با توجه به جدول ۴-۱ میانگین متغیر سبک های دلبستگی برابر با ۲,۱۰۱ و انحراف معیار ۰,۱۵۰، میانگین متغیر تنظیم هیجان برابر با ۳,۰۰۱ و انحراف معیار ۰,۰۷۰، میانگین متغیر دلزدگی زناشویی برابر با ۳,۹۸۶ و انحراف معیار ۰,۱۶۲، میانگین متغیر تعارضات زناشویی برابر با ۲,۵۸۱ و انحراف معیار ۰,۰۹۶، میانگین متغیر سبک های صمیمیت برابر با ۴,۰۹۹ و انحراف معیار ۰,۲۴۶ می باشد.

در بخش آمار استنباطی از آزمون نرمالیتی، آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار Amos استفاده شده است.

⁴ Kurtosis

¹ Skewness

² Kurtosis

³ Skewness

مطلق ضریب چولگی و کشیدگی بزرگتر از ۲ تخطی از نرمال بودن داده ها را نشان می دهد. همچنین اگر مقدار خطای استاندارد ضریب چولگی و ضریب کشیدگی کوچکتر از ۲- و یا بزرگتر از ۲+ باشد؛ در آن صورت فرض نرمال بودن توزیع رد می شود.

جدول ۲- نتایج نرمال بودن متغیرهای موجود در پژوهش

نتیجه آزمون	ضریب کشیدگی		ضریب چولگی		متغیرها
	خطای استاندارد	مقدار آماره	خطای استاندارد	مقدار آماره	
نرمال است	0.218	-0.840	0.109	-0.893	سبک های دلبستگی
نرمال است	0.218	-0.512	0.109	0.424	تنظیم هیجان
نرمال است	0.218	-0.708	0.109	-0.038	دلزدگی زناشویی
نرمال است	0.218	-0.962	0.109	-0.013	تعارضات زناشویی
نرمال است	0.218	-0.498	0.109	-0.879	سبک های صمیمیت

شد. بنابراین می توان گفت که توزیع داده های تمامی متغیرها نرمال یا حداقل نزدیک به نرمال می باشد.

آزمون ضریب همبستگی پیرسون

ضرایب همبستگی برای محاسبه درجه و میزان ارتباط خطی بین دو متغیر به کار می رود. دامنه ضریب همبستگی از ۱- تا ۱+ تغییر می کند. هر چه مقدار این ضریب به ۱+ نزدیک تر باشد، نشان از قوی بودن و مثبت بودن جهت ارتباط دو متغیر است. در واقع این آزمون به بررسی فرضیه زیر می پردازد:

همانطور که در جدول فوق مشخص است، ضریب چولگی و کشیدگی تمامی متغیرهای مورد مطالعه در بازه (۲- و ۲+) قرار دارد و همچنین مقدار خطای استاندارد ضریب چولگی و کشیدگی در بازه (۲- و ۲+) قرار گرفته است و نشان از نرمال بودن داده ها است. همچنین طبق قضیه حد مرکزی که ادعا می کرد اگر حجم نمونه آماری بالا رود (بالای ۳۰ نفر) توزیع داده های آن متغیر به توزیع نرمال نزدیکتر خواهد

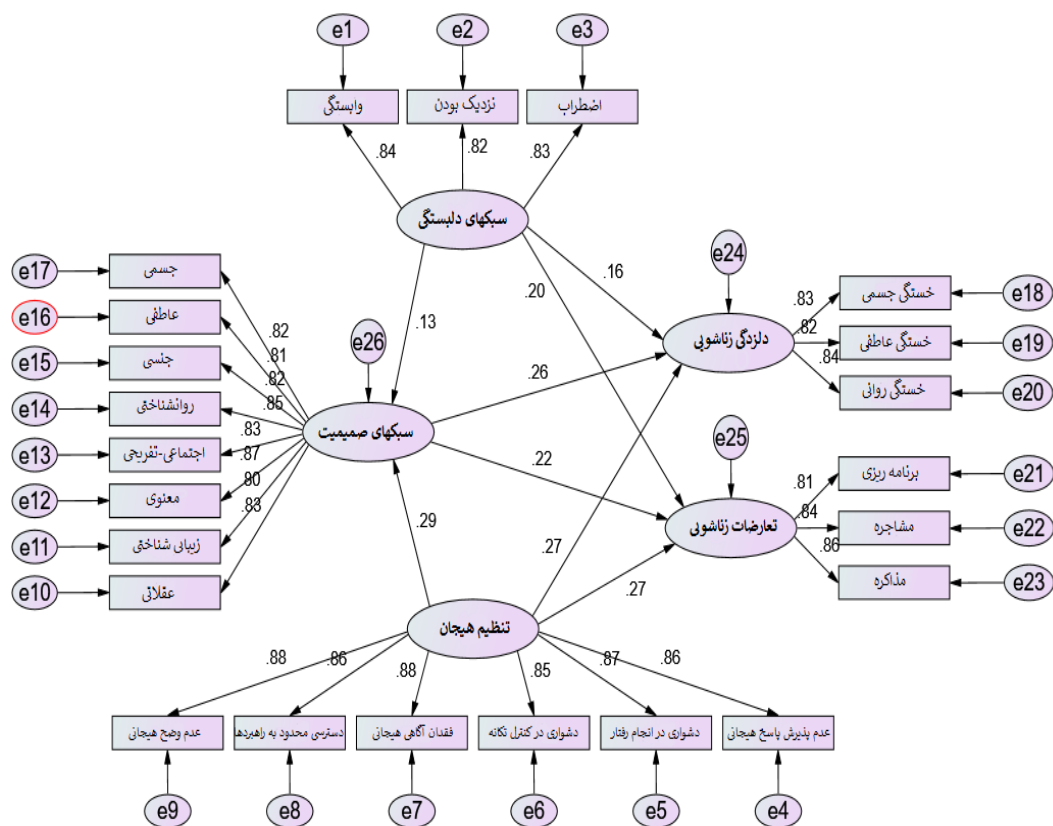
جدول ۳- ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش	سبک های صمیمیت	سبک های دل بستگی	دلزدگی زناشویی	تعارضات زناشویی	تنظیم هیجان	مقدار همبستگی سطح معناداری
سبک های دلبستگی	1					
تنظیم هیجان	0.306	1				
دلزدگی زناشویی	0.00	.	1			
تعارضات زناشویی				1		
سبک های صمیمیت					0.306	1
سبک های دل بستگی					0.00	.
دلزدگی زناشویی						
تعارضات زناشویی						
تنظیم هیجان						
مقدار همبستگی سطح معناداری						

دلزدگی زناشویی	مقدار	0.252	0.356	1		
	همبستگی					
	سطح	0.00	0.00	.		
	معناداری					
تعارضات زناشویی	مقدار	0.286	0.360	0.318	1	
	همبستگی					
	سطح	0.00	0.00	0.00	.	
	معناداری					
سبک های صمیمیت	مقدار	0.203	0.311	0.344	0.316	1
	همبستگی					
	سطح	0.00	0.00	0.00	0.00	.
	معناداری					

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین دو به دوی متغیرها کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ محاسبه شده است می توان اظهار نظر کرد که بین تمامی متغیرها همبستگی و ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد...تصمیم گیری در خصوص تایید یا رد فرضیات بر

اساس مقدار آماره تی (T-VALUE) صورت خواهد گرفت؛ به نحوی که اگر مقدار تی بیشتر از ۱,۹۶ بدست آید فرضیه مربوطه تایید و اگر کمتر از ۱,۹۶ بدست آید فرضیه مد نظر غیر معنادار خواهد شد.



شکل ۴- مدل تحقیق در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

شاخص های برازش مدل

اگر مقدار آزمون بارتلت معنادار باشد (معمولاً با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵)، نشان می‌دهد که روابط بین متغیرها برای انجام تحلیل عامل مناسب هستند. در جدول زیر شاخصهای مورد استفاده به همراه مقادیر آن آمده است.

قبل از بررسی فرضیه های پژوهش جهت تایید مدل و مستند بودن نتایج حاصله لازم است تا شاخص های برازش مدل در حد قابل قبول قرار گیرد. کفایت حجم نمونه در این پژوهش به کمک آزمون بارتلت^۱ مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۵- نتایج شاخص های برازش مدل

شاخص های بررسی شده	نماد لاتین	ناحیه قابل قبول	میزان استاندارد	مقدار بدست آمده
کای اسکوئر/درجه آزادی	(x ² / df)	کمتر از ۳	کارمینز و مکلاور (۱۹۸۱)	1.550
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	(RMSEA)	کمتر از ۰/۰۸	هیر و همکاران (۱۹۹۸)	0.033
برازش مقایسه ای	(CFI)	بیشتر از ۰/۹	بتلر و بونت (۱۹۸۰)	0.98
برازش فزاینده	(IFI)	بیشتر از ۰/۹		0.98
نیکویی برازش	(GFI)	بیشتر از ۰/۸	اتزادی و فروهمند (۱۹۹۶)	0.94

شاخص های محاسبه شده می‌توان برازش مطلوب مدل را نتیجه گرفت. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش پذیرفته می‌شود.

بررسی فرضیه های فرعی:

فرضیه اول: نظر می‌رسد بین سبک های دلبستگی و دلزدگی زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق رابطه وجود دارد.

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، در مدل فوق مقدار کای دو به درجه آزادی ۱/۵۵۰ و کمتر از ۳ است. همچنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۳۳ و کمتر از ۰/۰۸ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، و شاخص نیکویی برازش (GFI) همگی در حد مناسبی محاسبه شده است. در حالت کلی و با توجه به

جدول ۶- نتایج تحلیل فرضیه ۱

فرضیه اول	ضریب مسیر	آماره T	جهت رابطه	نتیجه
سبک های دلبستگی → دلزدگی زناشویی	0.158	3.306	مثبت و مستقیم	تایید

دلزدگی زناشویی به اندازه ۰/۱۵۸، انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. بنابراین با توجه به بررسی های بعمل آمده می‌توان اظهار نظر کرد که بین سبک های دلبستگی و دلزدگی زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق رابطه معناداری وجود دارد لذا فرضیه اول تحقیق تایید می‌شود.

با توجه به جدول، نتیجه گرفته می‌شود چون مقدار آماره t محاسبه شده برابر با ۳/۳۰۶ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، رابطه سبک های دلبستگی و دلزدگی زناشویی با ضریب مسیر ۰/۱۵۸ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. ضریب مسیر (بتا) مثبت بین متغیرها (۰/۱۵۸) بدین مفهوم است که با افزایش یک انحراف استاندارد سبک های دلبستگی،

¹ Bartlett's Test

فرضیه دوم: بنظر می رسد بین سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق رابطه وجود دارد.

جدول ۷- نتایج تحلیل فرضیه ۲

فرضیه دوم	ضریب مسیر	آماره T	جهت رابطه	نتیجه
سبک های دلبستگی ← تعارضات زناشویی	0.200	4.164	مثبت و مستقیم	تایید

خواهد یافت. بنابراین با توجه به بررسی های بعمل آمده می توان اظهار نظر کرد که بین سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق رابطه معناداری وجود دارد لذا فرضیه دوم تحقیق تایید می شود.

فرضیه سوم: بنظر می رسد بین تنظیم هیجان و دزدگی زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول، نتیجه گرفته می شود که چون مقدار آماره t محاسبه شده برابر با ۴,۱۶۴ و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد، رابطه سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی با ضریب مسیر ۰,۲۰۰ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد. ضریب مسیر (بتا) مثبت بین متغیرها (۰,۲۰۰) بدین مفهوم است که با افزایش یک انحراف استاندارد سبک های دلبستگی، تعارضات زناشویی به اندازه ۰,۲۰۰ انحراف استاندارد افزایش

جدول ۸- نتایج تحلیل فرضیه ۳

فرضیه سوم	ضریب مسیر	آماره T	جهت رابطه	نتیجه
تنظیم هیجان ← دزدگی زناشویی	0.267	5.522	مثبت و مستقیم	تایید

توجه به بررسی های بعمل آمده می توان اظهار نظر کرد که بین تنظیم هیجان و دزدگی زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق رابطه معناداری وجود دارد لذا فرضیه سوم تحقیق تایید می شود.

فرضیه چهارم: بنظر می رسد بین تنظیم هیجان و تعارضات زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول، نتیجه گرفته می شود که چون مقدار آماره t محاسبه شده برابر با ۵,۵۲۲ و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد، رابطه تنظیم هیجان و دزدگی زناشویی با ضریب مسیر ۰,۲۶۷ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد. ضریب مسیر (بتا) مثبت بین متغیرها (۰,۲۶۷) بدین مفهوم است که با افزایش یک انحراف استاندارد تنظیم هیجان، دزدگی زناشویی به اندازه ۰,۲۶۷ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. بنابراین با

جدول ۹- نتایج تحلیل فرضیه ۴

فرضیه چهارم	ضریب مسیر	آماره T	جهت رابطه	نتیجه
تنظیم هیجان ← تعارضات زناشویی	0.272	5.633	مثبت و مستقیم	تایید

با توجه به جدول، نتیجه گرفته می‌شود که چون مقدار آماره t محاسبه شده برابر با ۵,۶۳۳ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، رابطه تنظیم هیجان و تعارضات زناشویی با ضریب مسیر ۰,۲۷۲ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. ضریب مسیر (بتا) مثبت بین متغیرها (۰,۲۷۲) بدین مفهوم است که با افزایش یک انحراف استاندارد تنظیم هیجان، تعارضات زناشویی به اندازه ۰,۲۷۲ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. بنابراین با توجه به بررسی‌های بعمل آمده می‌توان اظهار نظر کرد که بین تنظیم هیجان و تعارضات زناشویی در تصمیم‌گیری در

مورد طلاق رابطه معناداری وجود دارد لذا فرضیه چهارم تحقیق تایید می‌شود. فرضیه پنجم: بنظر می‌رسد سبک‌های صمیمیت در رابطه سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی در تصمیم‌گیری در مورد طلاق نقش میانجی دارد. با توجه به مدل مفهومی پژوهش می‌توان علاوه بر رابطه مستقیم سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی، رابطه غیر مستقیم آن به وسیله متغیر میانجی سبک‌های صمیمیت را نیز بدست آورد. به همین منظور از روش آزمون سوبل استفاده شده است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون سوبل

نتیجه آزمون	میزان تاثیر			سطح معناداری	مقدار آماره سوبل
	تاثیر کل	تاثیر غیر مستقیم	تاثیر مستقیم		
تایید	0.191	0.033	0.158	0.015	2.415

با توجه به اینکه مقدار آماره سوبل (Sobel) برابر با ۲,۴۱۵ و از قدر مطلق ۱,۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری آزمون کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ بدست آمده است، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تاثیر میانجی‌گری سبک‌های صمیمیت در رابطه سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی را تایید کرد. میزان تاثیر غیر مستقیم سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی در واقع از حاصلضرب ضریب مسیر متغیر مستقل بر متغیر میانجی (۰,۱۲۸) در ضریب مسیر متغیر میانجی بر متغیر وابسته (۰,۲۶۲) بدست می‌آید. همچنین تاثیر کل سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی حاصل

جمع تاثیرات غیر مستقیم و مستقیم می‌باشد که برابر ۰,۱۹۱ برآورد شده است. بنابراین فرضیه پنجم تحقیق تایید می‌شود. فرضیه ششم: بنظر می‌رسد سبک‌های صمیمیت در رابطه سبک‌های دلبستگی و تعارضات زناشویی در تصمیم‌گیری در مورد طلاق نقش میانجی دارد. با توجه به مدل مفهومی پژوهش می‌توان علاوه بر رابطه مستقیم سبک‌های دلبستگی و تعارضات زناشویی، رابطه غیر مستقیم آن به وسیله متغیر میانجی سبک‌های صمیمیت را نیز بدست آورد. به همین منظور از روش آزمون سوبل استفاده شده است.

جدول ۱۱- نتایج آزمون سوبل

نتیجه آزمون	میزان تاثیر			سطح معناداری	مقدار آماره سوبل
	تاثیر کل	تاثیر غیر مستقیم	تاثیر مستقیم		
تایید	0.228	0.028	0.200	0.020	2.325

با توجه به اینکه مقدار آماره سوبل (Sobel) برابر با ۲,۳۲۵ و از قدر مطلق ۱,۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری

آزمون کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ بدست آمده است، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تاثیر میانجی‌گری سبک

های صمیمیت در رابطه سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی را تایید کرد. میزان تاثیر غیر مستقیم سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی در واقع از حاصلضرب ضریب مسیر متغیر مستقل بر متغیر میانجی (۰,۱۲۸) در ضریب مسیر متغیر میانجی بر متغیر وابسته (۰,۲۲۰) بدست می آید. همچنین تاثیر کل سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی حاصل جمع تاثیرات غیر مستقیم و مستقیم می باشد که برابر ۰,۲۲۸ برآورد شده است. بنابراین فرضیه ششم تحقیق تایید می شود.

فرضیه هفتم: بنظر می رسد سبک های صمیمیت در رابطه تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق نقش میانجی دارد. با توجه به مدل مفهومی پژوهش می توان علاوه بر رابطه مستقیم تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی، رابطه غیر مستقیم آن به وسیله متغیر میانجی سبک های صمیمیت را نیز بدست آورد. به همین منظور از روش آزمون سوبل استفاده شده است.

جدول ۱۲- نتایج آزمون سوبل

نتیجه آزمون	میزان تاثیر			سطح معناداری	مقدار آماره سوبل
	تاثیر کل	تاثیر غیر مستقیم	تاثیر مستقیم		
تایید	0.344	0.077	0.267	0.000	4.087

با توجه به اینکه مقدار آماره سوبل (Sobel) برابر با ۴,۰۸۷ و از قدر مطلق ۱,۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری آزمون کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ بدست آمده است، می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تاثیر میانجی گری سبک های صمیمیت در رابطه تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی را تایید کرد. میزان تاثیر غیر مستقیم تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی در واقع از حاصلضرب ضریب مسیر متغیر مستقل بر متغیر میانجی (۰,۲۹۴) در ضریب مسیر متغیر میانجی بر متغیر وابسته (۰,۲۶۲) بدست می آید. همچنین تاثیر کل تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی حاصل جمع تاثیرات غیر مستقیم

و مستقیم می باشد که برابر ۰,۳۴۴ برآورد شده است. بنابراین فرضیه هفتم تحقیق تایید می شود. فرضیه هشتم: بنظر می رسد سبک های صمیمیت در رابطه تنظیم هیجان و تعارضات زناشویی در تصمیم گیری در مورد طلاق نقش میانجی دارد. با توجه به مدل مفهومی پژوهش می توان علاوه بر رابطه مستقیم تنظیم هیجان و تعارضات زناشویی، رابطه غیر مستقیم آن به وسیله متغیر میانجی سبک های صمیمیت را نیز بدست آورد. به همین منظور از روش آزمون سوبل استفاده شده است.

جدول ۱۳- نتایج آزمون سوبل

نتیجه آزمون	میزان تاثیر			سطح معناداری	مقدار آماره سوبل
	تاثیر کل	تاثیر غیر مستقیم	تاثیر مستقیم		
تایید	0.336	0.064	0.272	0.000	3.685

با توجه به اینکه مقدار آماره سوبل (Sobel) برابر با ۳,۶۸۵ و از قدر مطلق ۱,۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری

آزمون کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ بدست آمده است، می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تاثیر میانجی گری سبک های صمیمیت در رابطه تنظیم هیجان و تعارضات زناشویی را

تایید کرد. میزان تاثیر غير مستقيم تنظيم هيجان و تعارضات زناشویی در واقع از حاصلضرب ضريب مسير متغير مستقل بر متغير ميانجی (۰,۲۹۴) در ضريب مسير متغير ميانجی بر متغير وابسته (۰,۲۲۰) بدست می آید. همچنين تأثير كل تنظيم هيجان و تعارضات زناشویی حاصل جمع تاثيرات غير مستقيم و مستقيم می باشد که برابر ۰,۳۳۶ برآورد شده است. بنابراین فرضیه هشتم تحقيق تایید می شود.

بحث و نتیجه گیری

یافته های بدست آمده از پژوهش حاضر نشان داد مقدار آماره t محاسبه شده برابر با ۳,۳۰۶ و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد، در نتیجه رابطه سبک های دلبستگی و دلزدگی زناشویی با ضريب مسير ۰,۱۵۸ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد. این یافته ها با پژوهش پورفرخ و حق نسب (۱۳۹۹)، اسدی و همکاران (۱۴۰۱)، برزگر کهنمویی و همکاران (۱۴۰۱)، کشاورز محمدی و همکاران (۱۴۰۱) همخوان است همچنین مقدار آماره t محاسبه شده برابر با ۴,۱۶۴ و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد، در نتیجه رابطه سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی با ضريب مسير ۰,۲۰۰ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد. یافته های پژوهش حاضر با یافته های ابویی مهریزی و همکاران (۱۳۹۹)، عدل پرور و همکاران (۱۴۰۱)، کینگرلی و اکونکو (۲۰۲۴)، مهد حسيم و همکاران (۲۰۲۳)، رحيمان و همکاران (۱۴۰۲)، محمد شارونی و همکاران (۱۳۹۹)، همخوان است. یافته های پژوهش حاضر با یافته های، باغ بیدی و اعتمادی (۱۳۹۹)، شارونی و همکاران (۱۳۹۹)، فلاحی و همکاران (۱۴۰۰)، شکری و همکاران (۱۴۰۱)، صادقی و خدا محمدی (۱۴۰۱)، کوکيگت و اوزون (۲۰۲۴)، عمادی و همکاران (۱۴۰۰)، گودرزی و همکاران (۱۴۰۱)، فاتحی و همکاران (۱۴۰۰)، همراهی می باشد.

مقدار آماره t محاسبه شده برابر با ۵,۶۳۳ و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد، در نتیجه رابطه تنظيم هيجان و تعارضات زناشویی با ضريب مسير ۰,۲۷۲ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشد. پژوهش کنونی با پژوهش شارونی و همکاران (۱۳۹۹)، شمس

الهی (۱۴۰۰)، صادقی و خدا محمدی (۱۴۰۱)، کریمی پناه و همکاران (۱۴۰۲)، گراهام (۲۰۱۷)، ارشدی و همکاران (۱۴۰۰)، امیدی و تلیقی (۱۳۹۶)، ووقان و فلاک (۲۰۲۱)، همسو می باشد.

همچنین در بررسی تاثیر ميانجی گری سبک های صمیمیت در رابطه سبک های دلبستگی و دلزدگی زناشویی در این پژوهش، مقدار آماره سوبل (Sobel) برابر با ۲,۴۱۵ و از قدر مطلق ۱,۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری آزمون کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ بدست آمده است، می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تاثیر ميانجی گری سبک های صمیمیت در رابطه سبک های دلبستگی و دلزدگی زناشویی را تایید کرد. (نتیجه پژوهش حاضر در این زمینه با پژوهش سرخابی عبدالمالکی و همکاران (۱۴۰۱) و برادران انوری (۱۴۰۰)، محمودی و همکاران (۱۴۰۰)، همسو می باشد

مقدار آماره سوبل (Sobel) برابر با ۲,۳۲۵ و از قدر مطلق ۱,۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری آزمون کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ بدست آمده است، می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تاثیر ميانجی گری سبک های صمیمیت در رابطه سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی را تایید کرد. یافته ها با پژوهش بختیاری و همکاران (۱۴۰۰)، سعیدی و همکاران (۱۴۰۱)، حسن زاده و سمواتی (۱۴۰۱)، غلام (۲۰۲۴)، پنگ (۲۰۲۳)، لیو (۲۰۲۲)، مجیدی و همکاران (۱۴۰۲)، اولادی و همکاران (۱۴۰۲) همسو می باشد.

مقدار آماره سوبل (Sobel) برابر با ۴,۰۸۷ و از قدر مطلق ۱,۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری آزمون کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ بدست آمده است، می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تاثیر ميانجی گری سبک های صمیمیت در رابطه تنظيم هيجان و دلزدگی زناشویی را تایید کرد. یافته ها با پژوهش همایی و همکاران (۱۴۰۲)، سرخابی عبدالمالکی و همکاران (۱۴۰۱)، زارع باغ بیدی و اعتمادی فر (۱۳۹۹)، همسو می باشد.

مقدار آماره سوبل (Sobel) برابر با ۳,۶۸۵ و از قدر مطلق ۱,۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری آزمون کمتر از سطح

خطای ۰,۰۵ بدست آمده است، می توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تاثیر میانجی گری سبک های صمیمیت در رابطه تنظیم هیجان و تعارضات زناشویی را تایید کرد. یافته ها با پژوهش هاشمی و همکاران (۱۴۰۱)، پیچ و همکاران (۲۰۱۶)، میرابی و همکاران (۱۴۰۰) و اکبری و همکاران (۱۴۰۰)، صفرزاده چماچایی (۱۴۰۰)، طباطبایی والا (۱۴۰۰) همسو می باشد.

پیشنهادهای پژوهش

پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های دلبستگی به عنوان عوامل موثر و پیش بینی کننده طلاق، مورد پژوهش قرار گیرد.

منابع:

- ابویی مهریزی، مطهره. موسوی، سیده فاطمه. رسولی، فریبرز. (۱۳۹۹). مقایسه خود نراقبتی ذهن آگاه، سبک های دلبستگی، و راهبردهای حفظ رابطه در متاهلین با و بدون تعارضات زناشویی. مجله فرهنگ مشاوره و روان درمانی. ۱۱ (۴۱). ۱۸۰-۲۱۰.
- اسدی، مهران. پورابراهیمی، تقی. فرخی، نورعلی. دواپی، مهدی. (۱۴۰۱). ارائه الگویی برای دلزدگی زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی در افراد متاهل: تمایز با نقش میانجی. مجله خانواده درمانی کاربردی. ۳ (۱). ۴۴۵-۴۶۰.
- اکبری، حسین. کریمیان، پریسا. امیدی، عبدالله. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر زوج درمانی هیجان مدار بر صمیمیت زناشویی و حل تعارض زوجین. مجله تحقیقات پزشکی صارم. ۶ (۳). ۱۵۵-۱۶۲.
- اولادی، فرشته. صارمی، علی اکبر. اشراقی، علی. کربلایی، محمدحسین. (۱۴۰۲). تاثیر زوج درمانی هیجان مدار بر رفتار دلبستگی و صمیمیت زناشویی در بیماران عروق کرونر قلبی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۳۳ (۳۲۱). ۳۵-۴۹.
- برادران انوری، صنوبر. (۱۴۰۰). تبیین اثربخشی رویکرد ایماگو تراپی بر اساس دلزدگی، صمیمیت و دلبستگی زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده. دانشگاه غیرانتفاعی ادیبان.
- برزگر کهنمویی، ساناز. فتاحی، اندیل، اعظم. میرهاشمی، مالک. (۱۴۰۱). تاثیر تمایز یافتگی، سبک های دلبستگی، و عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی با میانجی گری هوش هیجانی. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. ۲۳ (۲). ۶۳-۷۶.
- پورفرخ، مینا. حق نسب، شیم. (۱۳۹۹). رابطه ابعاد مثلث تاریک شخصیت و سبک های دلبستگی و دلزدگی زناشویی. مجله رویش روانشناسی. ۹ (۱۲). ۲۱۵-۲۲۴.
- حبیبی، امیرحسین. (۱۳۹۶). بررسی اکتشافی عوامل مؤثر بر فروپاشی ازدواج در پنج سال اول زندگی در بین متقاضیان بافت بومی- فرهنگی شهر سمنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- حسن زاده، مرضیه. سمواتی، مهدی. (۱۴۰۱). رابطه بین سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی با واسطه دیدگاه فهمی زوجی و ترس از صمیمیت. فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی. ۱۷ (۶۵). ۹۱-۸۳.
- رحیمان، روح الله. قمری، محمد. باباخانی، وحیده. جعفری، علیرضا. (۱۴۰۲). عنوان رابطه ساختاری بین ابعاد شخصیتی و سبک های دلبستگی با مهارت های ارتباطی و تعارضات زناشویی با میانجی گری سبک های ناسازگار اولیه در زوجین متقاضی طلاق. مجله خانواده درمانی کاربردی. ۴ (۵). ۲۵۱-۲۶۵.

همچنین پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی رابطه طرحواره رهاشدگی و دلبستگی نا ایمن اضطرابی در افراد متقاضی طلاق مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی اثربخشی طرحواره درمانی هیجانی بر تنظیم هیجان و تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق مورد پژوهش قرار گیرد

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با کد اخلاق IR.IAU.TNB.REC.1403.224 می باشد.

سرخابی عبدالمالکی، مریم. دکانی فرد، فریده. بهبودی، معصومه. (۱۴۰۱). الگوی ساختاری برای پیش بینی طلاق عاطفی زوجین بر مبنای سبک های دلبستگی، باورهای فراشناختی، و راهبردهای تنظیم هیجان با میانجی گری دزدگی زناشویی زنان متأهل. مجله خانواده درمانی کاربردی. ۳(۳). ۵۳۶-۵۶۲.

سعیدی، نازنین. مهاجری، سیده فاطمه. شورانگیز، کامران. اصغری، نامدار. (۱۴۰۱). بررسی رابطه سبک های دلبستگی و صمیمیت زناشویی با نقش واسطه ای فابینگ در زوجین دانشگاه تهران. مجله علوم پزشکی رازی. ۲۹(۱). ۲۲۲-۲۳۳.

شمس الهی، مهری. (۱۴۰۰). نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه تاب آوری و تعارض زوجین. خانواده درمانی کاربردی. ۲(۱). ۲۹۳-۳۰۸.

صادقی، جمال. خدامحمدی، ارسلان. (۱۴۰۱). پیش بینی دزدگی زناشویی زنان جوان متقاضی طلاق بر اساس سبک های حل تعارض، کمال گرایی و سبک های تنظیم هیجان شناختی شهر بابل. مجله مطالعات جامعه شناسی جوانان دانشگاه آزاد اسلامی.

صفرزاده چماچایی، محمد حسن. (۱۴۰۰). رابطه سبک های ارتباطی و سبک های حل تعارض با صمیمیت عاطفی زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه غیر انتفاعی احرار.

طباطبایی والا، زهرا سادات. (۱۴۰۰). اثربخشی زوج درمانی گاتمن برسبک های حل تعارض و صمیمیت زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

فاتحی، نازنین. کجویی، محسن. (۱۳۹۹). مدل علی فرسودگی زناشویی بر اساس باور روابط غیر منطقی، راهبردهای ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان و سرمایه روانشناختی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۵(۶۳). ۲۹۰۳-۲۹۱۳.

قبادی کهنمویی، نسیم. آزموده، معصومه. اسماعیل پور، خلیل. ساکن آذری، رعنا. (۱۴۰۳). مقایسه اثربخشی زوج درمانی شناختی رفتاری و زوج درمانی هیجان محور در تنظیم هیجان بین فردی زوجین با طلاق عاطفی. سلامت جامعه. ۱۸(۱). ۱۱-۲۲.

کشاورز محمدی، ربابه. جراه، جمشید. خوئینی، فاطمه. (۱۴۰۰). اثربخشی رفتار درمانی دیالکتیک بر دزدگی زناشویی، و دلبستگی زوجی کارکنان دارای تعارض کار و خانواده. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۶۵(۲). ۶۲۹-۶۴۱.

گودرزی، امیرحسین. کیخسروانی، مولود. دیره، عزت. گنجی، کامران. (۱۴۰۱). اثربخشی درمان هیجان مدار بر دزدگی زناشویی و تعهد اخلاقی در زوجین متقاضی طلاق. مجله علوم پزشکی رازی. ۲۹(۵). ۱۱۷-۱۲۶.

عمادی، شایا. میرهاشمی، مالک. پاشاشریفی، حسن. (۱۴۰۰). مدل ساختاری برای پیش بینی دزدگی زناشویی بر اساس هیجان خواهی، کمال گرایی و راهبردهای تنظیم هیجان با میانجی گری تاب آوری در زنان متأهل. مجله علوم روانشناختی. ۱۹(۹۲). ۱۰۱۱-۱۰۲۲.

عدل پرور، عفت. صفایی راد، ایرج. عرفانی، نصرالله. جدیدی، ایرج. (۱۴۰۱). پیش بینی تعارضات زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی زنان در آستانه طلاق: نقش واسطه ای طرحواره های ناسازگار اولیه. فصلنامه علمی پژوهشی خانواده درمانی کاربردی. ۳(۵). ۱۱۷-۱۳۶.

محمد شارونی، رضوان. شکری، امید. حسین زاده تقوایی، مرجان. دانش، عصمت. برجعلی، احمد. (۱۳۹۹). الگوی روابط ساختاری تعارض زناشویی در رابطه با سبک های دلبستگی، خودشیفتگی و هیجان خواهی با دزدگی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره. مجله مطالعات ناتوانی و ۲۳(۱۰). ۱-۹.

محمودی، بختیار. مرادی، امید. گودرزی، محمود. سیدالشهدایی، اسرین. (۱۴۰۰). اثربخشی زوج درمانی گروهی بر صمیمیت جنسی و دزدگی زناشویی بر زوجین دچار تعارضات زناشویی. نشریه روان پرستاری. ۹(۳). ۷۳-۸۲.

مظاهری، مصطفی. صادقی، مسعود. گودرزی، کوروش. (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی بسته پیشگیری از طلاق بر آشفته‌گی زناشویی زوجین متقاضی طلاق توافقی. *مجله مدلها و روش های روانشناختی*. ۱۲ (۴۳). ۸۳-۹۹.

میرابی، میترا. حافظی، فریبا. مهرابی زاده هنرمند، مهناز. نادری، فرح. احتشام زاده، پروین. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی طرحواره درمانی هیجان محور و درمان کوتاه مدت راه حل محور بر صمیمیت زناشویی بر زنان دارای تعارض زناشویی مراجعه کننده به مراکز روانشناختی. *پژوهشنامه زنان*. ۱۲ (۱). ۲۳۹-۲۵۶.

هاشمی، شمسوار. عارفی، مختار. کاکابرایی، کیوان. چهری، آزیتا. (۱۴۰۱). نقش واسطه ای تنظیم هیجان، مدیریت تعارض و صمیمیت جنسی در رابطه سازگاری زناشویی و ویژگی های شخصیتی. *مجله دستاوردهای روانشناختی*. ۲۹ (۲). ۲۳۱-۲۵۰.

همایی، فاطمه. شالپور، سها. امید بختیاری، نیکو. میرزایی، زهرا. (۱۴۰۲). اثربخشی زوج درمانی سیستماتیک مک مستر بر تمایز خویشتن، و فرسودگی زناشویی و صمیمیت زوجین با طلاق عاطفی. *مجله ارزیابی و تحقیق در مشاوره کاربردی*. ۵ (۲). ۴۱-۴۷.

References:

- Amato, P. R. (2010). Research on Divorce: Continuing Trends and New Developments. *Journal of Marriage and Family*, (72)3, 650-666.##
- Al najar, A. S., & Al-frehat, B. M. (2020). Emotional Divorce and Its Relationship with Psychological Hardiness. *International Journal of Education and Practice*, 8(1), 72-85.##
- Gholam, A. (2024). The Impact of Adult Attachment Styles on Intimacy and Commitment in Lebanese Male and Female Young Adults. <https://doi.org/10.62811/th.0038##>
- Liu, Y (2022). Research on the relationship between adult attachment, sacrifice motivation and intimacy satisfaction of college students (Master's thesis, Tianjin Institute of Physical Education)
- <https://kns.cnki.net/KCMS/detail/detail.aspx?dbname=CMFD202202&filename=1022505862.nh##>
- Mohd hasim, Marshina Juliza, Mustafa, Hasrina, Hashim, nor Hazlina. (2023). Marital communication during conflict; A study on attachment dimentions and interaction patterns. *UKMjournal article repository*.39 (1). 53-72.##
- Okonkwo, Kingsley. (2024). The role of attachment style in matital stability: a psychological approach to strengthening relationship. *American journal of psychology*. 6(4). 35-50.##
- Peng, Y. (2023). The Relationship Between Attachment and Intimacy. *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*,16,207-212.##
- Schetsche C, Mustaca AE. (2021). Attachment Styles, Personality, and Frustration Intolerance. *Health Psychol Res*. 2021;9(1):24551##
- Tasew, Abelnah Shemaye. Getahun ,Koye Kassa . (2021).Giulia Prete (Reviewing editor Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia, *Cogent Psychology*, 8:1, DOI: 10.1080/23311908.2021.1903127.##

*Original Article***Causal modeling of the relationship between attachment styles and emotion regulation dimensions with burnout and marital conflicts with the mediating role of intimacy styles in couples seeking divorce**

Received: 02/04/2025 - Accepted: 11/07/2025

Hamidreza Vatankhah¹Toktam Tayebi^{2*}Hooshang Jadidi³¹*Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*²*Associate Professor, Department of Psychology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*³*Associate Professor, Department of Psychology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Kurdistan, Iran.*

Email: hamid_vatankha1@yahoo.com

Abstract**Introduction**

Divorce is one of the serious harms that threatens individuals and families in the current period. During the divorce period, various stressful life events usually occur, which lead to numerous problems for couples, their children, and even society, and can cause countless psychological consequences at the individual and social level. Therefore, the purpose of the present study is to investigate the causal modeling of the relationship between attachment styles and emotion regulation dimensions with boredom and marital conflicts with the mediating role of intimacy styles in couples seeking divorce. The statistical population of the present study includes couples seeking divorce who refer to one of the dispute resolution councils in Tehran province. The sampling of the present study was carried out using the accessible method. The measurement tools in this study include: the Emotion Regulation Difficulty Questionnaire, the Marital Intimacy Scale, the Marital Boredom Questionnaire, the Kansas Marital Conflict Scale, and the Collins and Reed Adult Attachment Scale. The findings of the present study were calculated and analyzed using structural equation modeling and SPSS 24 and AMOS 24 statistical software. The findings of the present study showed that there is a causal relationship between attachment styles and emotion regulation dimensions with boredom and marital conflicts with the mediating role of intimacy styles in couples seeking divorce. Conclusion: The results of the study showed that the structural model of the relationship between attachment styles and emotion regulation dimensions with boredom and marital conflicts with the mediating role of intimacy styles in couples seeking divorce is consistent with the theoretical model and has a good fit. Therefore, in order to prevent divorce and create a better marital relationship, it is possible to improve couples' relationships by understanding attachment and intimacy styles, emotion regulation and conflict resolution methods, and boredom of couples.

Key words

Divorce, intimacy, attachment, conflict, boredom, emotion regulation

Acknowledgement: There is no conflict of interest